

در محکومیت اقدامات امارت اسلامی طالبان و در دفاع از حق تحصیل، کار و حضور زنان و دختران در فعالیت های اجتماعی

با گذشت هر روز از عمر ننگین امارت اسلامی طالبان ظرفیت عظیم آن در زن ستیزی و دشمنی با هر آنچه که نشانی از انسانیت و مدنیت دارد، بیشتر از پیش به نمایش در می آید. با صدور فتوای پی در پی، که اعلام هر یک از آن‌ها ماهیت و محتوای واقعی، قرون وسطایی و ضدبشری شریعت اسلامی، که امارت اسلامی سرمایه در همه ابعاد آن را نماینده‌گی و اجراء می‌کند، بیشتر از پیش آشکار می‌گردد.

آخرین فتوای جانین طالب، فرمان ممنوعیت تحصیل دختران در دانشگاه‌ها و راندن آن‌ها از مراکز آموزشی توسط وزارت تحصیلات عالی و رهبر شان هیبت‌الله آخندزاده است. این فتوا واکنش‌های متعددی را در نكوهش برداشت خرافاتی طالبان از احکام شریعت برانگیخت. برخی از اساتید دانشگاه‌ها علناً در محکومیت و مخالفت به این فرمان استعفا دادند و دانشجویان پسر برخی از دانشگاه‌ها با اعلام همدردی با دختران دانش‌آموز و دانشجو، در ضمن تجمعات اعتراضی، اعلام کردند که در صورت محرومیت دختران از حق تحصیل، نمی‌خواهند در یک چنین فضایی به تحصیلات شان ادامه دهند. سران کشورهای غربی، که حمایت آن‌ها از طالبان برگشت مجدد آن‌ها به قدرت سیاسی و برپایی امارت اسلامی را میسر ساخت، نیز ناگزیر از گرفتن موضع و هموایی با منتقدین فرمان منع تحصیل دختران در دانشگاه‌ها شدند.

تردیدی نیست که بخش عظیمی از شهروندان و مردم آزادی‌خواه و برابری طلب در افغانستان در انتظار پایان رنج و حرمانی هستند که امارت اسلامی سرمایه و حامیان جهانی آن عامل و کارگذار آن هستند. از بدو بازگشت طالبان به قدرت جنبش زنان یک تنه و با تمام مرارت‌ها و سختی‌های که به آن‌ها مواجهه گشته‌اند در تقابل با حاکمیت تئوکراسی ایستاده‌گی کرده و خواست "نان، کار، آزادی" که خواست همه مردم محروم و ستم‌دیده از جمله کارگران است را نمایندگی کرده‌اند. رژیم علاوه بر تحمیل فقر و محرومیت بیکران، گرفتن امنیت جانی و مالی از فرودستان و با استفاده از احکام شریعت در پی مهار ذهنیت مردم و القای باورها و هنجارهای بدوی و ضدانسانی اسلام از راه بستن در آموزشگاه‌ها و نهادهای تحصیلات عالی بر روی زنان و دختران و ایجاد تغییر در برنامه‌های آموزشی این نهادها و اسلامیزه کردن هرچه بیشتر حیات اجتماعی‌اند.

با وجود توحش آشکار رژیم و بدویت انکارناپذیر میانی ایدئولوژیک اسلام اما آن چه که مانع مادیت یافتن خواسته‌های برحق مردم می‌گردد، توهمی است که همچنان نسبت به نهادهای حقوق بشر و نقش نظام سرمایه‌داری موجود در اشکال و فرم‌های گوناگونی از جانب نیروهای اجتماعی و سیاسی دامن زده می‌شود. این نیروها طالبان و جنبش‌های همجنس آن را پدیده در خود و ناشی از جهل و فرآورده فرهنگ و عقب‌مانده‌گی مردم افغانستان می‌شمارند و از همین سر و موضع است که مانند گذشته برای نجات از آن به قدرت‌ها و نهادهای سرمایه‌داری توسل می‌جویند.

برخی از معترضان با وجود آن که از خرافات، بی‌عدالتی‌ها و تبعیض، که امروزه امارت اسلامی طالبان آن را به مردم تحمیل نموده است، متنفرند و در تقابل با آن ایستاده‌اند، اما با سهل‌انگاری دستگاه دین را از همه این بربریت میرا دانسته و اعمال طالبان را محصول درک ناقص آنها از اسلام می‌شمارند؛ آمریکا و غرب را مسوول عروج مجدد طالبان به قدرت دانسته و از ارسال هفته‌وار میلیون‌ها دلار کمک مالی به امارت اسلامی طالبان آگاه هستند، اما از سازمان‌های بین‌المللی که در خدمت منافع آمریکا و شرکای بین‌المللی آن عمل می‌کنند، برای مهار کردن قدرت طالبان تقاضای کمک می‌نمایند. در تجربه عینی زنده‌گی شان دیده‌اند که ناسیونالیسم تباری، شوینیسم و فاشیسم مذهبی چه بلاهتی را بار آورده‌اند ولی کماکان حمایت از خابنین و سران جریان‌های ارتجاعی مذهبی-قومی به اصطلاح هم تبار شان را راه حل و سهمیم شدن آن‌ها را در خوان قدرت رسیدن به "عدالت" می‌انگارند.

ستم، نابرابری، فقر، آپارتاید جنسیتی، زن ستیزی و همه ناهنجاری‌های موجود در افغانستان محصول تباری سرمایه‌داری و نیروهای به شدت عقب‌گرای مذهبی می‌باشد. دین پوششی است بر تن عریان تضاد سرمایه با منافع اکثریت فرودست در افغانستان. به این دلیل نقد خرافات بایست فراتر از نقد گروه‌های جنایتکار اسلامی مانند طالبان رفته و ماهیت دین نقد و افشا گردد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان در ضمن این که اقدامات ضدانسانی و زن ستیزانه امارت اسلامی سرمایه را قویا محکوم می‌نماید، از اعتراضات زنان و دختران مبارز، که با وجود توحش لجام گسیخته دستگاه سرکوب و تحمیل طالبان در برابر حاکمیت آن و برای به دست آوردن حق تحصیل، نان، کار و آزادی دست به اعتراض می‌زنند، حمایت بی‌دریغ خود را اعلام می‌نماید. زنان، دختران و مردان برابری طلب و آزادی‌خواه که بخشی از جنبش اعتراضی (نان، کار، آزادی) هستند، با هم سرنوشت مشترکی دارند و پیوند آگاهانه و مستحکم آن‌ها می‌تواند نقطه پایانی برحاکمیت امارت اسلامی نهاده و نوید بخش فردای روشنی باشد.

سرنگون باد امارت اسلامی طالبان!

دست دین از زنده‌گی و سرنوشت مردم کوتاه باد!

زنده باد جنبش نان، کار، آزادی!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۲ جدی ۱۴۰۱؛ 23 دسامبر 2022

